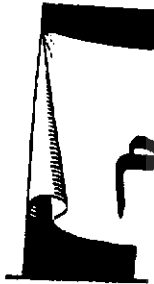




در

اسلام



این کار نفرت انگیز گاهی ضرورت پیدامی کند و يك امر حیاتی می شود:

«هیچ امری نزد خداوند محبوب تر از این نیست که خانواده ای با ازدواج برپا و استوار گردد و هیچ چیزی مبغوض تر از این نیست که خانواده ای در اسلام با طلاق و جدائی برهم خورده منحل گردد». کسانی که با دییات عرب آشنائی داشته باشند بخوبی می توانند از این حدیث با اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و مبغوض بودن طلاق پی ببرند زیرا کلمه نفی (ها) و قرار گرفتن نکره در سیاق نفی و استعمال «أَحَبُّ» و «أَبْغَضُ» بصورت افعال التفضیل نمودار اهمیتی است که قانونگذار اسلام به تشکیل خانواده و استحکام

همان اندازه که پیمان زناشویی و تشکیل خانواده در قوانین اسلام مورد تأکید قرار گرفته و بوسائل گوناگونی مسلمانان را تشویق نموده است، بهمان اندازه انحلال آنرا امری ناپسند و مبغوض دانسته و جز در موارد ضروری آنرا نیکو نمی داند.

امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) چنین نقل می کند که فرمود: **مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ بِالنِّكَاحِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُخْرَبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالتَّفْرِقَةِ يَعْنِي الطَّلَاقِ، (۱)**

(۱) وسائل ج ۲۶۷/۷

امام صادق (ع) فرمود: **دَمَانٌ شَيْءٌ مِمَّا حَلَّهَ اللَّهُ أَنْبَغَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبَغِضُ الْمُطَّلَقَ الدَّوَائِقَ** (۱) : هیچ چیز در میان حلالها مبعوض تر از طلاق نزد خداوند نیست، خدای تعالی هر شخص طلاق دهنده از روی اشتها و هوسهای زودگذر را مبعوض می‌دارد، چنانکه روایت دیگری، روایت بالا را توضیح داده مورد مبعوض بودن طلاق را بصراحت تعیین می‌نماید:

امام باقر (ع) فرمود: روزی رسول خدا با مردی در راه مصادف شد و از او سؤال کرد با همسر خود چه کردی؟ پاسخ داد: ای رسول خدا او را طلاق دادم حضرت پرسید آیا بدون اینکه سوء اخلاق داشته باشد طلاق دادی؟ در جواب گفت: آری بدون اینکه اخلاق ناپسندی داشته باشد او را طلاق دادم. حضرت وقت دیگری با وی برخورد کرد از او پرسید: زن (دوم) خود را چه کردی؟ در جواب گفت: او را طلاق دادم بدون اینکه در طلاق دادن او عذری داشته باشم سپس آنحضرت فرمود: و خداوند مبعوض می‌دارد و لعن می‌کند هر مرد یا زن طلاق دهنده و طلاق گیرنده ای را که از روی اشتها و هوس با ینکارمبادرت نماید. بهمین دلیل در روایت دیگری نیز وارد است که: **«كُرِّهَ جَوْا وَلَا تَطْلُقُوا إِنْ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الدَّوَائِقِينَ وَالدَّوَائِقَاتِ»**: دزدواج کنید و آنرا منحل نسازید زیرا خداوند مرد و زن طلاق دهنده و طلاق گیرنده اشتهائی و هوسی را دوست ندارد.

* * *

و عدم انحلال آن می‌دهد.

آری اسلام جداً می‌خواهد که جوانان (دختر و پسر) تشکیل خانواده دهند و از ثمرات و نتایج مهم آن که حفظ نسل و اشباع مشروع غرائز جنسی و تربیت فرزندان لایق و برومند و تحویل آن بجامعه می‌باشد بهره‌مند گردند و لذا شرایط بسیار سہلی برای تحقق آن پیشنهاد نموده و هرگونه مانع غیر منطقی را از پیش پای افراد برداشته و بر طبق سنت و تقاضای طبیعت گام برداشته است.

و نیز جداً خواستار است که قبل از ازدواج تمام خصوصیات همسر آینده خود را مطالعه نموده و آگاهانه و از روی بصیرت کامل شریک زندگی خود را انتخاب و هر نوع دقت در انتخاب همسر را قبل از ازدواج انجام دهند، ولی بعد از انتخاب و تشکیل خانواده دیگر مجاز نمی‌داند بهره‌بانه‌ای و بهره‌جزئی اختلاف و بگو مگو در مقام انحلال آن برآیند و از اینرو اسلام شرایط سخت و مشکلی در انحلال آن قائل شده است که مبادا طلاق جزو کارهای هوس‌آلود زن و شوهر قرار بگیرد و با بهانه کوچکی خانواده را منحل کرده دنبال امیال خود بپرند و چند روزی نیز با دیگران، خوش باشند و عشق بورزند و باز از آنها نیز سیر شده برهم زنند و همینطور... بلکه از روایات نهی طلاق و دقت در آنها چنین استنباط می‌شود که ممنوعیت طلاق در چنین مواردی است و اگر نه اصل طلاق در موارد لزوم چنانکه خواهیم گفت، ممنوع نیست بلکه گاهی ضرورت دارد.

ناپسندیده و با دلائل طرز تربیت‌های خانوادگی و یاد ر اثر ضعف مبانی دینی بین آن دو ناسازگاری‌های روحی و تضاد در مقاصد یکی از طرفین پیش آید که انس و محبت و صمیمیت از میان آنها بکلی رخت بر بندد و امکان ادامه زندگی بین آنها باقی نماند در این حال چه باید کرد؟ آیا صحیح است که بگوئیم با وجود این تضاد روحی و اخلاقی بین آنها طلاق نباید تشریح گردد؟ مسلماً نه؛ زیرا طلاق در این صورت يك ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و از اینرو می‌بینیم دردنیای مسیحیت‌هلی رغم فشار ارباب کلیسا نتوانستند در مقابل ضرورت تشریح قانون طلاق تاب مقاومت بیاورند و ناچار شدند در ممنوعیت آن تجدیدنظر بعمل آورند.



قرآن کریم يك عده از اسباب ضروری طلاق، طی سوره‌های مختلف، بمناسبت‌هایی اشاره میکند و لکن آنها را در حوادث معینی محدود نمیسازد زیرا اسباب طلاق نسبت با افراد بر حسب افکار و خصوصیات روحی آنان متفاوت و گوناگون می‌باشد و از اینرو يك قانون کلی همه جانبه‌ای برای مسلمانها ارائه می‌دهد که برای همه کس با جمیع حالات و افکار و در تمام زمانها و مکانها قابل تطبیق باشد.

قرآن مجید قانون طلاق را در صورت «شقاق» (ناسازگاری شدید) بین زن و شوهر تشریح می‌کند در صورت «دوام شقاق» که با آن زندگی زناشویی بمراحل بسیار حساس منفجرکننده‌ای رسیده باشد که امکان ادامه آن را بسیار سخت و مشکل می‌نماید. خداوند در قرآن کریم در سوره نساء آیه ۳۵

فلسفه قانون طلاق در موارد ضروری:

در حیات زناشویی مواردی پیش می‌آید که طلاق ضرورت پیدامی‌کند و چنانچه زن یا مردی بیادرت بطلاق نکند چه بسا مشکلات طاقت فرسا و جنایتها و انتحارها و ناراحتیهای روانی و نگرانیهای شدید پدید می‌آید که نه تنها زندگی زناشویی را تلخ و ناگوار می‌سازد بلکه فاجعه‌های بزرگی در جامعه بوجود می‌آورد و نظم آنرا برهم‌میزند و بهترین سند آن مطالعه زندگی خانوادگی و اجتماع‌ممالکی است که طلاق در آنها ممنوع می‌باشد و ما قسمتی از آنها را در شماره‌های سابق بازگرمودیم.

علاوه بر اینها مصالحی چند تشریح قانون طلاق را برای هر يك از زن و مرد ایجاب می‌کند:

۱- از جمله اینکه زن ممکن است در اثر بیماری حفیم و نازا باشد و مرد مطابق فطرت خواستار فرزند است و نمی‌خواهد نسل انخود را مقطوع ببیند و چه بسا قدرت انتخاب همسر دوم را نیز نداشته باشد، در چنین موردی چه باید کرد؟ آیا صحیح است که مرد را اجبار کنیم بندای فطرت در مورد داشتن فرزند پاسخ ندهد؟

در این صورت گرچه در نظر پاره‌ای از فقهاء نازائی از ناحیه هر يك از مرد و زن، از اسباب فسخ نکاح شرعاً محسوب نمی‌گردد و لیکن چه بسا موجب اختلاف و مشاجره‌گشته، زندگی زناشویی را دچار تلخی و ناگوارای ساخته، موجبات طلاق بین زن و شوهر را فراهم آورد.

۲- گاهی ممکن است بین زن و شوهر در اثر اخلاق

یکدیگر نزدیک ساخت و از شدت تفر و انزجار طرفین کاست و نگاهت باسانی خانواده‌ها منحل گردد برای تأمین این هدف قبل از طلاق، «حکمی» (داوری) از خانواده مردوم چنین از خانواده زن تعیین نمود و با آن‌ها مشکل مهم ناسازگاری خانوادگی را مطرح ساخت تا شاید راه حلی برای جلوگیری از انحلال و جدائی پیدا شود و چنانچه حکم‌ها، نتوانند راه حل عملی برای جلوگیری از طلاق بیابند، آنوقت است که می‌توان (در صورت جمع بودن شرایط طلاق که خواهیم گفت) طریق طلاق را انتخاب نمود.

بقیه دارد

در این مورد می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْشِرُوا كَحِكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكْمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» یعنی اگر ترسیدید از پدید آمدن حالت شقاق بین آنها (زن و شوهر)، تعیین کنید داوری از فامیل شوهر و داوری دیگر از وابستگان زن اگر قصد و نظرشان اصلاح باشد خداوند (در این صورت چه بسا) سازگاری بین آن دو فراهم آورد و آن‌دورا یکدیگر نزدیک گرداند (و خانواده از انحلال نجات یابد).

تذکر این نکته لازمست که بمجرد پدید آمدن شقاق بین آن دو، رشته زناشویی از هم گسیخته نمی‌شود بلکه باید در این هنگام ابتدا سعی نمود حتی الامکان اصلاحی بین آن دو پدید آید و آن‌ها را

نمایندگان محترم دقیقاً توجه کنند

- ۱- از نمایندگان محترم تقاضا می‌شود در سال جدید از نظر همکاری بیشتر با دفتر مجله، حتی الامکان از فروش تك شماره خودداری فرمایند، تا نظم تیراژ مجله بهم نخورد.
- ۲- مجله را به تعداد مصرف درخواست فرمائید که مجله مرجوعی نداشته باشید زیرا مجلاتی که ارسال می‌شود فروش رفته تلقی می‌گردد و شماره‌های بعدی بهمان نسبت و روی همان تیراژ چاپ می‌شود و برگشت مجله بزبان مجله تمام می‌شود.
- ۳- تعدادی پاکت محتوی مجله مربوط به مشترکین شهرستانها، بدقت مرکزی مجله در قم رسیده چون فاقد آدرس فرستنده بوده‌اند، لذا از نمایندگان محترم تقاضا میشود موقع ارسال مجله آدرس کامل خود را بنویسند تا موقع برگشت، به خود شما عودت داده شود.

دفتر مجله